

<b>COUNCIL on FOREIGN RELATIONS</b>
-------------------------------------

## فنتالین چگونه به آمریکا رسید

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا تعرفه‌های شدیدی را بر کانادا، چین و مکزیک به‌نام جلوگیری از ورود فنتالین به ایالات متحده وضع کرده است. در واقعیت منابع تأمین این ماده مخدر و مرگ و میرهای مرتبط با آن در سال گذشته به‌شدت کاهش پیدا کرده‌اند اما همچنان در سطح‌نگران‌کننده‌ای قرار دارند.

در مارس ۲۰۲۵، دونالد ترامپ به وعده خود مبنی بر وضع تعرفه‌ها بر سه شریک تجاری اصلی آمریکا وضع کرد: کانادا، چین و مکزیک. او به «تهدید فوق‌العاده» فنتالین، ماده مخدر مصنوعی بسیار قوی و مرگبار و شکست این کشورها برای جلوگیری از ورود غیرقانونی فنتالین به آمریکا اشاره کرده است.

بحران مواد مخدر در چند سال گذشته سراسر ایالات متحده را فراگرفته با اینکه آمار مرگ و میر در سال ۲۰۲۴ کاهش شدیدی داشته است. سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ در اوج بحران، مصرف بیش از حد مواد مخدر منجر به مرگ ۱۱۱ هزار نفر در سال شد که عامل اکثر آنها فنتالین بود. فنتالین و مواد مخدر مصنوعی به‌سرعت به عامل اصلی مرگ و میر آمریکایی‌ها بین ۱۸ تا ۴۵ سال تبدیل شد.

چین و مکزیک، دو کشوری که آلمان‌های قاچاق‌های فنتالین به آمریکا را دارند، اقدامات خود را برای توقف انجام داده‌اند. کانادا هم همین اقدام را انجام داده است، به‌رغم اینکه هیچ مسئولیتی در قبال مرگ و میر فنتالیینی که وارد مرزهای آمریکامی شود، ندارد. مرگ و میر سالانه مرتبط با فنتالین به هزاران نفر می‌رسد اما برای اولین بار در این سال‌ها روند نزولی پیدا کرده است. داده‌های مرکز پیشگیری و کنترل بیماری‌نشان می‌دهد، مصرف بیش از حد مواد مخدر از ژوئن ۲۰۲۳، ۲۱ درصد کاهش پیدا کرده است. آمار مرگ و میر در دوره‌ای ۱۲ ماهه و تا پایان سپتامبر ۲۰۲۴ به کمتر از ۸۵هزار نفر رسیده: در حالی که همچنان آمار بالایی است اما کاهش قابل توجهی از سال ۲۰۲۰ به‌شمار می‌رود.

کارشناسی می‌گویند که علت عمده این کاهش آماری به دلیل تلاش‌های مت‌مرکز دولت جو بایدن با همکاری با دیگر کشورها به‌ویژه چین و مکزیک صورت گرفته است.

با این حال در اعلام تعرفه‌ها، دولت ترامپ به نقش کشورها در قاچاق فنتالین به آمریکا به‌عنوان دلیلی برای وضع آنها اشاره می‌کند و ادعا می‌کند که میزان مرگ و میر بین ۳۰۰ هزار نفر در سال تا ۱۰ میلیون نفر است؛ آماری که کارشناسان بهداشت نادرست می‌خوانند.

مکزیک بزرگ‌ترین دریافت‌کننده مواد تشکیل دهنده شیمیایی است که به‌عنوان مواد اولیه فنتالین از طریق شبکه‌های غیرقانونی کارتل‌ها وارد این کشور می‌شوند. کارتل‌ها، پس از تولید این ماده مخدر اغلب شهروندان آمریکایی را استخدام می‌کنند تا آنها را به آن سوسوی مرز قاچاق کنند. فنتالین چون اثرگذاری بسیار بالایی دارد فقط مقدار کمی از آن لازم است که حمل شود. مکزیک منبع اصلی ورود فنتالین به آمریکااست: سال گذشته پلیس آمریکا نزدیک به ۱۰ هزار کیلو را در مرز جنوبی کشف کرد اما فقط حدود ۲۰ کیلوفنتالین از مرز کانادا کشف شد.

مکزیک با فشارهای بسیاری رویه‌رو شده. کلودیا شین‌یانم، رئیس‌جمهور این کشور عملیات مقابله با دارودسته‌های مواد مخدر تقویت کرده و در ماه دسامبر بزرگ‌ترین عملیات بازداشت قاچاقچیان فنتالین را راه‌اندازی کرد. اداره مبارزه با مواد مخدر آمریکا نیز نشان می‌دهد میزان فنتالینی که در مرز جنوبی کشف شده در سال گذشته حدوداً ۲۰ درصد کاهش داشته است.

نقش چین کمی پیچیده‌تر است. پکن سال ۲۰۱۹، مصرف فنتالین وگونه‌های مختلف آن را در داخل مرزهای خود ممنوع کرد و همچنان تأکید می‌کند که اجازه نمی‌دهد این ماده مخدر تولید شود. کمپانی‌های چینی به‌طور گسترده‌ای به تولید مواد اولیه شیمیایی ساخته می‌شوند که بسیاری از آنها دلایل مشروعی برای تولید مواد کنترل شده، به‌ویژه در بخش پزشکی و دارویی دارند. با این حال این مواد اولین اغلب از سوی سازمان‌های جنایی فراملیتی در مکزیک خریداری می‌شود تا فنتالین ساخته شود.

سال‌هاست که چین برای مقابله با رنجیره تأمین مواد اولیه شیمیایی مقاومت کرده و به ممنوعیت داخلی این ماده مخدر اشاره می‌کند تا بگوید به همین دلیل است که مشارکتی در مسئله فنتالین ندارد. اما پکن سال ۲۰۲۴ با دولت بایدن به توافق رسید تا اقدامات سختگیرانه‌تری را برای مواد اولیه شیمیایی اعمال کند. هر دو طرف همچنین موافقت کردند تا همکاری‌های خود را برای مقابله با مواد مخدر افزایش دهند.



یاسمن طاهریان خبرنگار گروه بین‌الملل

جاشوا یافا، خبرنگار نیویورک در گزارش مفصلی در این مجله ماجرای جاسوس اوکراینی را بازگو می‌کند که نقش کلیدی را در سازمان‌دهی نظام دفاعی اوکراین در مقابل حمله تمام‌عیار روسیه در سال ۲۰۲۲ بازی کرد. یافا در این گزارش فعالیت‌های این جاسوس را در سازمان‌های اطلاعاتی و امنیت ملی در چارچوب تنش‌های ژئوپلیتیک برجسته می‌کند که در ادامه می‌خوانیم:

در ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۲، ایستگاه‌های لرزه‌نگاری در شمال اروپا سیگنال‌هایی را که شبیه زمین‌لرزه‌های کوچکی بودند، دریافت کردند که سروصدای آن از زیر سطح دریای بالتیک و هزاران مایل دورتر شناسایی شده بود. کمی بعد، اپراتورهای ناظر افت فشار شدیدی را در خط لوله‌های نورد استریم، دو لوله به طول حدوداً ۱۱۰۰ کیلومتر در زیرآب که گاز طبیعی روسیه را به آلمان و سپس به بقیه نقاط اروپا منتقل می‌کرد، شناسایی کردند. نیروی هوایی دانمارک جنگنده‌های اف-۱۶ را برای رهگیری فرستاد که تصاویری را از آنچه آشکارا نشت عظیم گاز بود مخابره کردند: گاز متان فرار که حباب‌های جوشانی را روی سطح آب ایجاد کرده بود. در هفته‌های بعد، پهپادهای زیرآبی تصاویری از شکاف‌های عمیق در خط‌لوله را ثبت کردند. مقامات سوئدی باقی‌مانده‌های انفجار را در صحنه پیدا کردند و ترکیب‌گی لوله را «خرابکاری عمدی» خواندند. در آلمان که بیش از نیمی از گاز طبیعی خود را از روسیه وارد می‌کند، محققان اعلام کردند که انفجارها نشان‌دهنده «حمله‌ای بر امنیت داخلی کشور بوده است.» خرابکاری نورد استریم کمتر از یک سال پس از حمله تمام‌عیار روسیه به اوکراین اتفاق افتاد. به‌نظر می‌رسد که هر دو رخداد با یکدیگر مرتبط بودند اما چگونگی اجرای عملیات در آن زمان مشخص نبود. گمانه‌زنی‌ها در ابتدا بر روسیه متمرکز بود که سابقه عملیات خرابکاری زیردریا را داشت.

چند هفته قبل از آن، گازپروم، کمپانی انرژی دولتی روسیه خط لوله نورد استریم یک را متوقف کرد با این ادعا که تحریم‌های کشورهای غربی توانایی برای نگهداری از خط‌لوله را تضعیف کرده. (نورد استریم ۲، که سال ۲۰۲۱ به پایان رسید هنوز قابل استفاده نیست). مقامات آمریکایی و اروپایی کرملین را متهم کردند که از صادرات انرژی به‌عنوان ابزار اقتصادی استفاده می‌کند و نواهای دریایی روسیه چند روز قبل از حمله در آب‌های مجاور دیده شده‌اند. اما آژانس‌های اطلاعاتی غربی نتوانستند هیچ شواهد دیگری مبنی بر اینکه کرملین مسئول این انفجار باشد پیدا کنند. کرملین به‌نویه خود، انگلستان و آمریکا را مقصر دانست.

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه گفت: «تحریم‌ها برای آنگלו ساکسون‌ها کافی نبود. آنها وارد هر مرحله خرابکاری شدند.» در ژانویه ۲۰۲۲، چهار ماه پس از حمله، پلیس آلمان به‌دفاتر یک شرکت اجاره قایق در فرانسه در جزیره روگن در دریای بالتیک رفتند. آنها حکم کشتی بادبانی ۵۰ فوتی به‌نام «آندرومیدا» را داشتند که مجله اشپیگل آن را «نه‌تنها باشکوه بلکه کاربردی، کمی شبیه خودروی ون شناور» توصیف کرده بود. در پاییز سال قبل، ۶ نفر با پاسپورت جعلی این قایق را از طریق یک آژانس مسافرتی لهستانی با مالکان اوکراینی رزرو کردند و پول آن را از طریق یک تاجر اوکراینی پرداخت کردند. محققان مشکوک شدند که عکس داخل یکی از پاسپورت‌ها که به‌ظاهر متعلق به یک شهروند رومانی به‌نام استفان مارکو بود، در واقع به یک سرباز هنگام خدمت اوکراینی تعلق داشت. آنها در قایق «آندرومدا» ردیابی از HMX، ماده منفجره قدرتمند که با خرابی‌های خط لوله نورد استریم سازگار است، پیدا کردند.

مارس همان سال، نیویورک‌تایمز گزارش داد که سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا شواهدی را بازبینی کرده‌اند که نشان می‌دهد «یک گروه حامی اوکراین این حملات را انجام داده‌اند» و این احتمال وجود داشت که «عملیات خارج از برنامه از سوی گروهی نیابتی مرتبط با دولت اوکراین» انجام شده باشد. این اخبار غالبگیرکننده بود. بسیاری از کارشناسان معتقدند که هر کسی که مواد منفجره را کار گذاشته باید به‌یک زیردریایی کوچک با اتاق فشارزدایی دسترسی داشته که هیچ‌کدام از نیروهای نیابتی اوکراین احتمالاً حتی آن دسته‌ای که تحت حمایت دولت اوکراین‌اند در اختیار نداشته‌اند. دلیل دیگری که اوکراین به‌عنوان خاطی احتمالی در نظر گرفته‌نشد، عواقب خطرناک سیاسی پس از آن بود: کشوری که از خود در برابر حمله دفاع می‌کند و شدیداً به کمک‌های نظامی خارجی‌ها وابسته است و به‌سختی می‌تواند زیرساخت‌های انرژی یکی از حامیان اصلی خود در غرب را منفجر کند. با این حال، چنانچه اطلاعات فزاینده به اوکراین اشاره می‌کرد، مشخص نشد که دقیقاً چه کسی دستور این حمله را داده است. یکی از مقامات عالی‌رتبه آلمان گفت: «این یک پازل واقعی است.» در نوامبر ۲۰۲۳، یک مظنون پیدا شد. تحقیقات مشترک اشپیگل وولشتگت‌ن‌پست هر دو به‌نقل از منابعی از «چرخه‌های امنیت‌بین‌المللی و اوکراینی»، «رومن چروینسکی» یک مقام پیشین اطلاعاتی اوکراین را به‌عنوان سازمان‌دهنده اصلی این عملیات متهم کردند. تا آن زمان، چروینسکی که دو‌دهه از عمر خود را به هدایت عملیات مخفیانه برای سازمان‌های اطلاعاتی اوکراین شامل ترور و چندین خرابکاری به سرانجام رسانده بود، در حصر خانگی در حومه کی‌یف قرار داشت.

### ◀ نورد استریم کار من نبود

او در دو تحقیقات جنایی مجزا برای اخذی و سوءاستفاده از قدرت متهم شده بود. در هر دو پرونده، دست‌کم به‌طور رسمی، هیچ ارتباطی بین چروینسکی ونورد استریم وجود نداشت. زمانی که اخیراً با او در آپارتمانش ملاقات کردم، او به‌صراحت درباره مشارکت خود در حمله نورد استریم صحبت کرد و به من گفت: «کار من

نبود.» چروینسکی، ۵۰ ساله با اندامی کوچک و موهای نازک بلوز یقه‌دار گشاده به‌من داشت. پایند الکترونیکی هم به‌مج‌پایش بسته شده بود. او چای دم کرد و پشت میز آشپز خانه‌اش نشستیم. یکی از افرادی که با او همکاری کرده می‌گوید: «به او نگاه می‌کنید و کاملاً عادی‌ترین فردی را که می‌توانید تصور کنید صبح آن روز در اتوبوس کنار شما ایستاده را می‌بینید. سپس متوجه می‌شوید که او کیست و چه توانایی‌هایی دارد.»

اخیراً، دولت ترامپ مذاکرات با کرملین را برای پایان دادن به جنگ اوکراین آغاز کرده است. این مذاکرات بدون حضور اوکراین انجام شد که به‌اعت شد ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین هشدارهایی را برای رسیدن به توافق «پشت‌سر سوژه اصلی» اعلام کند. شرایطی که دولت ترامپ در نظر گرفته که از سوی مقامات ارشد آمریکایی اعلام شده، هشدارهایی را در اوکراین و اروپا به‌صدا درآورده: هیچ‌گونه واگذاری از ارضی که از سال ۲۰۱۴ از سوی روسیه تصرف شده‌اند، صورت نخواهد گرفت، اوکراین عضو ناتو نخواهد شد و هیچ‌کدام از صلح‌طلبان آمریکایی آتش‌بس را اجباری نخواهند کرد. در عوض تا‌کید بر توافق‌های بزرگ، مثل پیشنهاد برای سه ۵۰ درصدی آمریکا در مواد معدنی کمیاب اوکراین بوده است. پس از آنکه زلنسکی پیشنهاد داد که ترامپ اطلاعات نادرست روس‌ها را تکرار می‌کند، ترامپ قسقرق بکا برد و زلنسکی را «دیکتاتور» خطاب کرد که می‌خواهد جنگ ادامه پیدا کند تا همچنان کمک‌های مالی دریافت کند بدون اینکه کاری انجام دهد.

چروینسکی نماینده وجهه‌ای از جنگ است که کمتر دیده می‌شود اما به‌همان اندازه سرنوشت‌ساز است. او در آن کشوری که با دشمن قدرتمندتری روبه‌روست در پشت‌پرده می‌جنگد، رومن کستنکو، کلنل نیروهای ویژه که حالا در پارلمان اوکراین فعالیت می‌کند، می‌گوید: «اگر آتش‌بس رخ دهد، این بخش از جنگ شدت بیشتری پیدا خواهد کرد. چروینسکی به‌نویه خود می‌خواهد موضوع را عوض کند، هم درباره سوءاستفاده‌هایی که در گذشته کرده و هم درباره دستاوردهای خود برای این کشور.» او می‌گوید: «من آماده‌ام درباره این موضوعات صحبت کنم، حتی اگر خلاف قوانین معمول سازمان‌های اطلاعاتی باشد. اوکراین کشوری تمام‌عیار است؛ نه استانی از روسیه، کشوری که حق دفاع از خود را دارد و اصول خود را مشخص کند.» چروینسکی در غرب اوکراین بزرگ شده؛ جایی که پدرش مدیر ساختمان‌سازی و مادرش در سوپرمارکت کار می‌کرد. در نوجوانی تیراندازی رایاد گرفت. سال ۱۹۹۱، ۱۶ ساله بود که اوکراین استقلال خود را از شوروی به‌دست آورد و افسرانی از SBU، سرویس امنیتی اوکراین که انشعاب گ‌گب در این کشور او بود از مدرسه او دیدار کردند و از تشکیل آکادمی جدید در کی‌یف خبر دادند تا مأموران اطلاعاتی را آموزش دهد. چروینسکی به‌رغم مخالفت‌های پدرش، به عضویت آکادمی درآمد. در دسامبر ۲۰۱۴، چروینسکی به دونباس فرستاده شد؛ جایی که اوکراین با شبه‌نظامیان روسی در آنچه «عملیات ضدتروریستی» خوانده شد، مبارزه می‌کرد. از زمان این حمله، بسیاری از مأموران SBU که در مناطق اشغالی فرستاده شده بودند، تغییر موضع دادند. افسرانی که به مناطق تحت کنترل کی‌یف فرستاده شدند اغلب می‌خواستند در عملیات‌هایی علیه همکاران پیشین خود شرکت کنند اما خط مقدم بسیار نفوذپذیر بود؛ محلی‌هایی که به این مناطق رفت و آمد داشتند تا با بستگان خود دیدار کنند. مراقبت‌های بهداشتی دریافت‌کنند و حقوق بازنشستگی خود را بگیرند. چروینسکی و همکارانش این جمعیت را زیرنظر داشتند تا از میان آنها مأموران جدیدی را استخدام کنند. او می‌گوید: «هر کسی یکسری سلسله‌مراتبی برای ارزش‌ها دارد. برای برخی ممکن است پول باشد. بعضی دیگر مواد مخدر می‌خواهند و نه چیز دیگری. افرادی وجود دارند که به عدالت و صداقت اهمیت می‌دهند. شما می‌توانید از هر کدام از این زوایا به آنها نزدیک شوید.» رویدادهای «میدان انقلاب» در آن سال در کی‌یف پس از الحاق

کریمه به روسیه و جنگ نیابتی در دونباس، سیاست‌های اوکراین را تغییر جت داد. به‌گفته ولری کوندراتیوک، که در سازمان‌های اطلاعاتی اوکراین سمت‌های بالایی را داشته، این کشور برای جلب حمایت به سمت غرب گرایش پیدا کرد و برای سازمان‌های

# جنگجوی در سایه

## ماجرای جاسوس مرتبط با انفجار خط لوله نورد استریم که نظام دفاعی اوکراین علیه روسیه را سازمان دهی کرد

عکس: Censor.net



اطلاعاتی، یعنی سازمان سیا «اطلاعاتی را درباره روسیه» فراهم کرد. کوندراتیوک می‌گوید: «زمانی که فهمیدند اغلب این اطلاعات کیفیت بهتری از اطلاعاتی که از افسران و مأموران خود در مسکو می‌گرفتند، داشت. تمایل آنها به کمک به‌ما جهش پیدا کرد.»

یکی از مأموران اطلاعاتی پیشین آمریکا تخمین می‌زند که همکاری جدید عملاً میزان اطلاعاتی که آمریکا می‌توانست درباره روسیه کسب کند را دو برابر کرد. در یک مورد، SBU کدهایی که در حملات هکری روسیه مورد استفاده قرار می‌گیرند را اختیار سازمان‌های آمریکایی قرار داد تا نظام دفاعی خود را شکل دهند. یکی از مأموران اطلاعاتی پیشین آمریکایی درباره آن می‌گوید: «این اقدام ده‌ها میلیون دلار ارزش داشت»، در اوایل ۲۰۱۵، سازمان سیا توافق کرد تا بودجه تجهیزات جدید جاسوسی را در داخل SBU نام «اداره پنجم» تأمین کند. یکی از مقامات آمریکایی می‌گوید: «ایده اصلی این بود که سازمان ضدجاسوسی با عملیات ویژه ترکیب شود.» سازمان سیا تجهیزات تاکتیکی و ارتباطی را فراهم کرد و دوره‌های آموزشی را برای افسران این دپارتمان که اکثر آنها پس از فروپاشی شوروی سنی پیدا کرده بودند، فراهم کرد. رئیس اداره پنجم به‌مدیر SBU گزارش می‌داد که خارج از لایه‌های معمول بوروکراسی بود. یکی از افسران اداره پنجم می‌گوید: «اگر قبلاً سازمان در گروگان آمار و برنامه‌هایی بود که از سوی مقامات بالادستی تعیین می‌شد، حالا از تمام آنها بی‌ر شده بودیم و مجوز کامل خلافت و ابتکار را در دست داشتیم.» چروینسکی کمی پس از پیدایش این اداره به عضویت آن درآمد و به افسران آن کمک کرد شبکهای از اطلاعات را راه‌اندازی ونظارت بر نیروهای نظامی را هدایت کنند.

میکروفونی که در داخل سیم رابط دفتر دادستانی که برای آنچه «جمهوری خلق دونتسک» خوانده می‌شده به این اداره اجازه داد تا بازجویی‌های زندانیان جنگی اوکراین را استراق سمع کنند، یکی از مأموران زن در گروه شبه‌نظامی حامی روسیه فریب خورد تا یک آبازور رومیزی را که در آن میکروفن کار گذاشته شده بود در داخل مقر فرماندهی تانک‌ها بگذارد. مامور دیگری که چروینسکی از این فرماندهی استخدام کرده بود، از سوی SBU مواد منفجره را زیر ریل‌های ۸ تانک که در محوطه آموزشی پارک شده بودند، کار گذاشته بود. پس از اینکه تانک‌ها نابود شدند، چروینسکی به‌واکنش حیرت‌زده فرماندهان در داخل مقر فرماندهی گوش داد.

اداره پنجم همچنین در ترور فرماندهان زمینی حامی روسیه نقش داشت. هیچ چارچوب قانونی برای کشتارهای هدفمند در ارضی اوکراینی که از نظر بین‌المللی به‌رسمیت شناخته شده‌اند، وجود نداشت. مأموران SBU به این نتیجه رسیدند به‌خاطر اینکه اوکراین با تزوریست‌های تحت حمایت روسیه در حال مبارزه بود، قوانین معمول برای آنها اجرائی‌شد. چروینسکی می‌گوید: «زمانی که یک کشور در صلح قرار دارد، یک راه برای رفتار با دشمنانش دارد. اما در دوران جنگ، زمانی که ارضی شما اشغال شده‌اند، باید قوی‌تر عمل کنید.» سیاست‌های آمریکا مأموران سازمان سیا را از مشارکت در چنین عملیات‌هایی منع می‌کرد. کندراتیوک می‌گوید: «آمریکایی‌ها در ظاهر رسماً مخالف بودند. اما پشت صحنه مأموران سازمان سیا اغلب ستایش خود را نشان می‌دادند: «آنها با ما دست می‌دادند و می‌گفتند «کارتان عالی بود.»»

در ۱۲ دسامبر ۲۰۱۵، پاول درموف، آجرکار ۳۹ساله که فرمانده گردان خودخوانده کوساک در اراضی اشغالی اوکراین بود سوار بر خودروی رنج‌روو بر سمت پروموایسک حرکت کرد. او یک هفته قبل ازدواج کرده بود و هنوز مشغول مراسم جشن بود که تماس تلفنی را برای حضور در یک کار فوری دریافت کرد. خودروی درموف در جایی از جاده که خلوت بود، منفرج شد. او و راننده کشته شدند. درموف تأسیس جمهوری کوساکران را در داخل ارضی تحت اشغال روسیه ترویج می‌کرد. تصورها بر این بود که رقبایی که در داخل تیم او قرار داشتند، شاید از سوی مسکو پیشنهادهاتی را کشف کردند که تحمل کمی برای رهبران شورشیان داشتند. در واقعیت این انفجار از سوی SBU صورت گرفته بود. چند ماه قبل از آن، یکی از تاجران محلی به اداره پنجم درباره علاقه درموف به خودروها به‌ویژه رنج‌روور اطلاع داده بود. این اداره یکی از این خودروها را از اروپا وارد کرد و